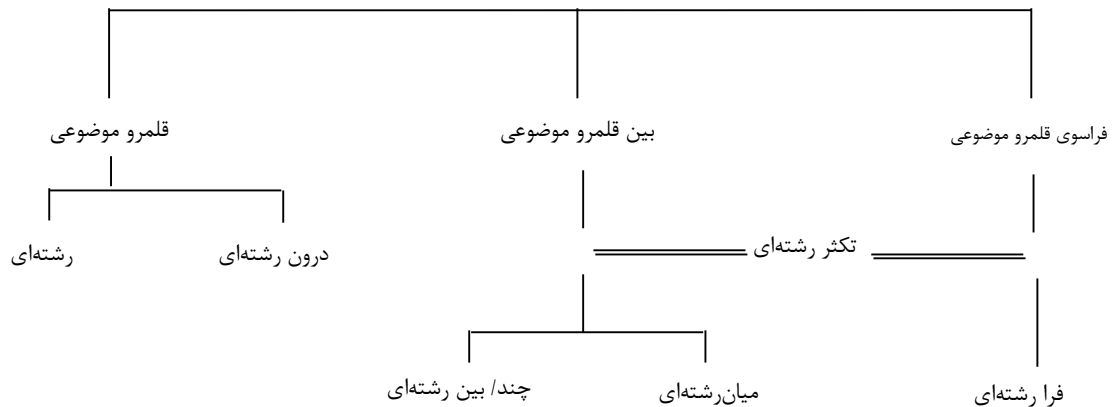


بسمه تعالی

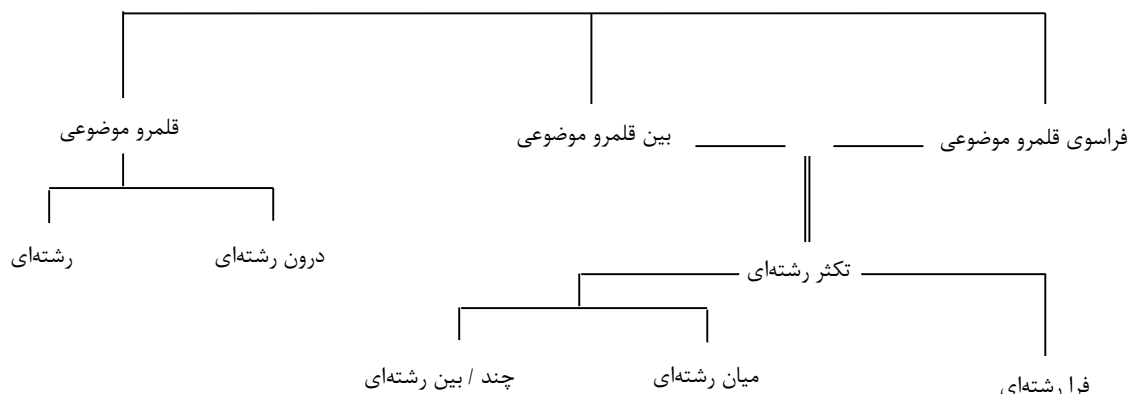
به نظر و همانگونه که نیز در مقاله ذکر شده، تکثر رشته‌ای شامل فرارشته‌ای، میان‌رشته‌ای و چند رشته‌ای و بین‌رشته‌ای می‌باشد اما میان‌رشته‌ای و چند رشته‌ای از لحاظ موضوعی نمی‌تواند در فراسوی قلمرو موضوعی قرار گیرد. درست است که در نگاه اول اصطلاح فراسوی قلمرو موضوعی می‌تواند علاوه بر فرارشته‌ای، در مورد میان‌رشته‌ای و چند رشته‌ای نیز بکار رود (که نگاه گذرا به تصاویر آورده شده در شکل ۲، ذیل چند رشته‌ای و میان رشته‌ای این نظر را تقویت می‌کند)، اما به واقع چنین نیست. به نظر بنده اصطلاح فراسوی قلمرو موضوعی در معنای علمی آن مورد توجه قرار نگرفته است. شاید بهتر باشد اصطلاح فراسوی قلمرو موضوعی به این صورت تعریف شود: فراسوی قلمرو موضوعی، فرا رفتن از موضوعات موجود (موضوعات رشته‌ها) و دست یافتن یا پدید آوردن دانش موضوعی جدید با ماهیت خاص خود / ماهیت مشخص است.

در چند رشته‌ای، مورد مطالعه قرار گرفتن یک پدیده مثلاً یادگیری (بنابر شکل ۲ صفحه ۱۷) از نظرگاه چند رشته مد نظر است نه اینکه از درون این چند رشته دانشی جدید پدید آید (در چند رشته‌ای فقط دیدگاه هر رشته در باب یادگیری بیان می‌شود). در مورد میان رشته‌ای نیز چنین است؛ وجود پروژه واحد رشته‌ها را به فراسوی موضوع کلی‌شان سوق می‌دهد اما دانش موضوعی با هویت مشخص پدید نمی‌آورد. از این رو شکل رسم شده در صفحه ۸ در رابطه با تقسیم‌بندی قلمرو موضوعی (تقسیم به فراسوی قلمرو موضوعی و بین موضوعی) به واقعیت نزدیک‌تر و مورد پذیرش‌تر است.

شاید مطالب ذکر شده در صفحه ۱۸ مقاله نیز شاهی بر این مدعا باشد؛ چرا که در مطالب این صفحه آمده است: در چند رشته‌ای، بین‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای مرزهای ساختاری رشته‌ها از بین نرفته است؛ از این رو شاید بتوان چنین استنباط کرد که قلمرو موضوعی آنها همان بین قلمرو موضوعی است. اما اینکه بیان شده: در فرا رشته‌ای مرزهای رشته دانش محو می‌شود یعنی مرز بین رشته‌های مرتبط از بین می‌رود، بیانگر قرار گرفتن در فراسوی قلمرو موضوعی است. از این رو شاید بهتر باشد قسمت فوقانی شکل صفحه ۱۷ به یکی از صورت‌های زیر رسم گردد.



شکل دوم



از آنجایی که فرا رشته در اصل یک رشته جدید است و در نهایت و به تدریج وارد قلمرو موضوعی (رشته‌ای) می‌شود بهتر است این مطلب نیز داخل شکل ۲ اعمال شود؛ چه از طریق رسم خطوط و چه از طریق رنگ یا فونت یکسان برای این دو واژه، تا خواننده به هنگام رؤیت شکل متوجه چنین مطلبی بشود.

با توجه به متن مقاله، به نظر می‌رسد در شکل شماره ۱ صفحه ۸ در قسمت بین قلمرو موضوعی، واژه صحیح همان چندرشته‌ای بود نه چند/ تکثر رشته‌ای. وجود واژه اخیر در این قسمت مقاله را تا حد بسیار زیادی زیر سؤال می‌برد.

.....

- در ارتباط طولی رشته‌ها نسبت به ارتباط عرضی، به نظر یک وجه اشتراکی لازم است که ارتباط طولی را محقق کند و در مقاله تنها ملاک برای برقراری ارتباط طولی را، سادگی و پیچیدگی معرفی می‌کند ولی این سادگی توضیح داده نشده است.
- این مقاله در رویکرد طولی در فرا رشته‌ای برای من بسیار جالب بود. قبل از این در مقاله‌ای با عنوان "تحلیلی بر ماهیت ارزشی علم و دلالت‌های آن برای آموزش عالی" روی رویکردی فرا رشته‌ای و با محوریت طولی به علم کار می‌کردم. در این مقاله سعی کردم ستون این ارتباط طولی را نگاه ارزشی به علم معرفی کرده و رابطه انسان - علم را تحت رابطه خدا-علم بیان کنم.
- در نتیجه‌گیری مطرح شده است که در تکثر رشته‌ای، رویکرد معرفت‌شناسی در مقابل رویکرد ابزاری قرار نمی‌گیرد. ولی در طول مقاله در این باره توضیحی داده نشده است. یعنی اینکه چرا در روایت‌های قبلی این دو رویکرد در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند و چگونه تکثر رشته‌ای این تضاد را از بین برده است. (در مقاله در حد یک جمله ذکر شده است که در همکاری بین رشته‌ها این دو رویکرد در تضاد با هم قرار می‌گیرند، ولی توضیحی داده نشده است.)

- با توجه به اینکه در نگاه فیلسوفان سنت و حکیمانی مانند افلاطون یا مکاتب فکری-الهی مانند اسلام، رویکرد به علم رویکردی فرا رشته ای و در طول یکدیگر است، در ارجاعات به این موارد اشاره (به جز مورد مختصری درباره افلاطون) اشاره نشده است.
- چند اشکال تایپی: در صفحه ۱۴، معتقد، معقتد نوشته شده بود و یا در صفحه ۳ به نظر میاید کلمه پسا رشته رشته ای چندان درست نباشد.
- در مقاله ارجاعات کمی زیاد بود و هم پوشانی داشتن و احساس می شد، اتصال بین ارجاعات در بعضی جاها به خوبی رعایت نشده بود.
- تفاوت تکثر رشته ای و فرا رشته ای در مقاله به راحتی قابل فهم نبود زیرا فرا رشته ای هم منجر به تولید رشته جدید می شود.

با سپاس

شهریاری، عسگری، رجیبی

از دانشجویان فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان

جوایبه دکتر شعبانی ورکی:

سلام از اینکه زمانی را برای بررسی مقاله اینجانب و آقای بابادی اختصاص دادید صمیمانه تشکر می کنم. در مورد شکل ۱ صفحه هشت لازم است یادآوری شود این شکل از گزارش آموزش و پرورش منیتوبا اخذ و بدان استناد شده است. در نتیجه در این گزارش میان مفاهیم به نحوی که نگارندگان این مقاله مطرح کرده اند تمایز گذاشته نشد. در مورد شکل دوم پیشنهاد نقادان محترم قابل اعتناست. در عین حال یادآوری می شود تمایز میان فراسوی قلمرو موضوعی و بین قلمرو موضوعی مشهود نیست. در مورد اشتباهات تایپی فقط می توانم عذرخواهی کنم. رابطه میان تکثر رشته و فرارشته ای را از جنس عموم و خصوص من وجه در نظر بگیرید، در این صورت تمایز میان آنها نیز روشن خواهد شد. مجدداً از همه دانشجویان گرامی دانشگاه اصفهان تشکر می کنم. برای تشکر مقاله دیگری را تحت عنوان "پژوهش کیفی: روش یا بوش" تالیف اینجانب و خانم کاظمی تقدیم شما می کنم. یادآوری میکنم که این عنوان را با الهام از اندیشه های فردوسی انتخاب کردم. بنابراین شعر فردوسی را نیز تقدیم تان می کنم: هر آن چیز کو خواست اندر بوش بر آن است چرخ روان را روش

با تشکر مجدد

شعبانی